

ادبیات کودک

مروری بر تاریخچه ادبیات کودک و نوجوان در غرب

ترجمه: رسول غفارزادگان

این مقاله

ترجمه‌ای است از کتاب

Children Britanica

1990-1991

امروزه هر کودک و نوجوانی که به یک کتابفروشی خوب می‌رود، با قفسه‌های مملو از کتاب روبرو می‌شود و می‌تواند هر نوع کتابی که می‌خواهد، انتخاب کند. کتابهای مصور، افسانه‌های تخیلی، کتابهای تاریخی، زندگینامه بزرگان، کتاب شعر، علوم و اطلاعات عمومی قفسه‌های کتابفروشی‌ها را پر کرده است. موضوع کتابها آنقدر زیاد است که شخص نمی‌تواند تصمیم بگیرد کدام یک را انتخاب کند.

کودکان امروز نسبت به کودکان نسلهای گذشته در امر کتاب خوش اقبال‌ترند و از مطالعه لذت بیشتری می‌برند. حتی آن‌عده‌ای هم که نمی‌توانند کتاب بخورند، می‌توانند کتاب‌های مورد نظر خود را پیدا کنند و بخوانند. بخش کودکان کتابخانه‌های عمومی، کتاب‌ها را به‌طور امانت به کودکان می‌سپارند تا در خانه مطالعه کنند و پس بدهند، بی‌اینکه مبلغی بپردازند. در بعضی شهرها حتی مکانهای مخصوصی وجود دارد که افراد علاقه‌مند می‌توانند در آنجا ساعتها مطالعه نمایند. اکثر مدارس برای خود کتابخانه‌هایی دارند که به همت خود دانش‌آموزان و کتابخانه‌های عمومی ایجاد شده‌اند.

کتابهای کودکان هم‌اکنون به عنوان یک نوع سرگرمی و نوعی آموزش مورد پذیرش عموم قرار گرفته است، درحالی که قبلاً این چنین نبود. زمانی یافتن کتاب برای کودکان خیلی مشکل بود. اگر وضع کتاب کودک و نوجوان را در قرن هیجدهم بررسی کنیم، می‌بینیم در آن زمان کتابی که مخصوص کودکان نوشته شده باشد، خیلی نادر بوده است. تا ۱۵۰ سال پیش کتاب برای کودک تنها، کتابهای درسی بود که از اندرزا و نصیحت پر بود. فقط در سالهای اخیر نویسندگان شروع به نوشتن کتابهایی کردند که برای کودکان جالب، سرگرم‌کننده و هیجان‌انگیزاند و آموزش محض به حساب نمی‌آیند.

ادبیات اولیه

در دوران خیلی قدیم کتاب داستانی نبود. مردم جای مطالعه، به افسانه‌هایی که نقلها درباره قهرمانان جنگهای بزرگ و پادشاهان و ملکه‌هایشان نقل می‌کردند، گوش می‌دادند. افسانه دیو و پری و حیوانات سخنگو نیز از قصه‌هایی بودند که نقلها نقل می‌کردند. این افسانه‌ها بدون اینکه نوشته شوند سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر می‌رسید.

ویلیام کاکستون نخستین فردی بود که در انگلستان کتاب چاپ کرد. او به فکر چاپ کتاب برای کودکان نبود، ولی مطالبی که چاپ کرد هم بزرگ‌ترها را به وجد آورد هم کوچک‌ترها را. احتمالاً یکی از افراد

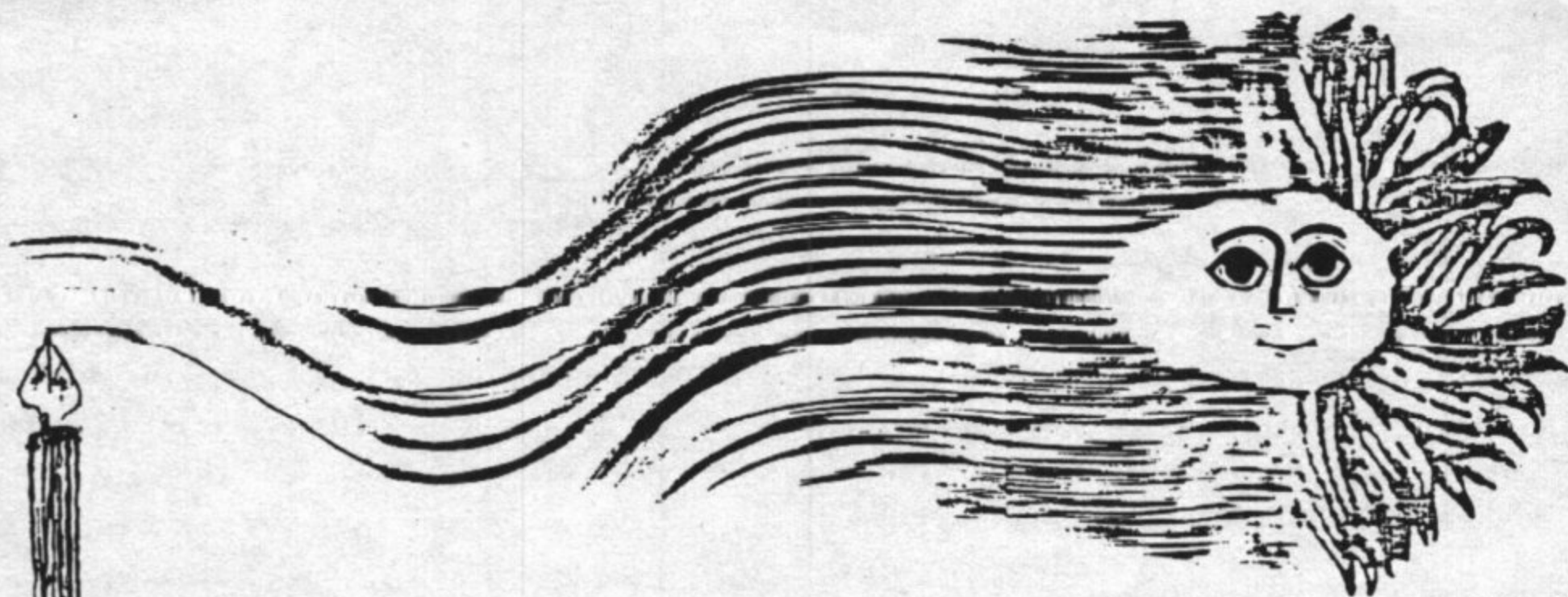
خانواده که خواندن می‌دانسته، کتاب را با صدای بلند خوانده و تمام اعضای خانواده از بزرگ و کوچک به آن گوش می‌داده‌اند. کاکستون سرگذشت خیالی شوالیه‌ها و قهرمانان زیادی را به چاپ رساند. «شاه آرثور» نوشته سر توماس مالوری، «تاریخ تروا» نوشته خودش از جمله کتابهایی بود که چاپ کرد. کاکستون «افسانه‌های آزوپ» و «سرگذشت رینارد روباه» را هم ترجمه کرد.

در اولین سالهای پیدایش چاپ، کتابهایی وجود داشت که مخصوص کودکان بود. کتابهای درسی که حدود هشتصد سال پیش توسط زاهدان و روحانیون نوشته شده، از نمونه‌های اولیه این کتابها به حساب می‌آمدند که با دست روی پوست گاو یا آهو نوشته می‌شدند و با احتیاط دست به دست می‌گشتند. متن کتابها به صورت مکالمه و به زبان لاتین بودند و برای یادگیری این زبان به کار می‌رفتند، ولی گاهی روحانیون برای جلب نظر کودکان افسانه‌هایی درباره بهشت و جهنم و حیوانات خیالی در آنها می‌گنجاندند. با گذشت زمان به تدریج کتابهایی برای کودکان چاپ شد. این کتابها ماجراهای هیجان‌انگیز یا افسانه‌های جن و پری نبود، هدف آنها آموزش کودکان بود که چگونه رفتار کنند. مثلاً در «کتاب کودک» که در سال ۱۴۷۵ میلادی نوشته شده، این اندرزا آمده است: «هنگامی که شخصی با شما صحبت می‌کند به چشمانش نگاه کنید و به‌دقت گوش کنید تا حرفهایش تمام شود، میان حرفش ننویید یا دور برتان را نگاه نکنید.»

در کتاب دیگر که در سال ۱۴۸۰ نوشته شده (کتاب کوچک بچه‌های کوچک) چنین می‌خوانیم: «دستهای خود را تمیز و ناخنهایتان را کوتاه نگه دارید، دست به غذا نزنید مگر اینکه اجازه داده شود و تا هنگامی که به شما تعارف نشده، ننشینید.»

سالها کتابهای کودکان خشک و رسمی بود. این کتابها پر بودند از تنبیه‌های وحشتناک که کودکان بد و نافرمان تحمل می‌کردند و کودکان را از آتش جهنم و دوزخ می‌ترساندند. این کتابها برای کودکان امروزی یک نواخت و خشک بنظر می‌آیند و مسلماً برای کودکان آن دوران هم بی‌معنی و خشک بوده است. بعضی از آنها چندین بار تجدید چاپ شده‌اند و فروش بالایی داشته‌اند. کودکانی که در دوران جنگهای داخلی انگلستان و جنگهای صلیبی می‌زیسته‌اند، هرگز چیزی درباره داستانهایی نظیر «جزیره خزاین» یا «آلیس در سرزمین عجایب» و یا «بادی در پنهبزار» نشنیده‌اند و احتمالاً هرگز فکر نمی‌کرده‌اند که روزی کتاب به‌عنوان سرگرمی خوانده شود.





کتاب کودک و نوجوان در انگلستان

یکی از اولین کتابهای جالب که تا زمان حاضر هم خواندنی است، «سرگذشت یک زایر» است که در سال ۱۹۷۸ چاپ شده است. این کتاب که مذهبی است، ماجراهای هیجان‌انگیزی دارد که به زبان ساده نوشته شده است. نویسنده این کتاب جان بونیان مردی ساده بود که سرنوشت او را به زندان انداخت و کتابش توسط فروشندگان دوره‌گرد در تمام کشور فروخته شد. کمی بعد دو کتاب بزرگ دیگر هم به چاپ رسید: «دانیل دونه در سال ۱۷۱۹» «رابینسون کروزوئه» را نوشت و «جان تان سویت» «سفرهای گالیور» را در سال ۱۷۲۸ به چاپ رساند. این دو کتاب اولین داستانهای بلندی بود که ماجراهای طولانی را دنبال می‌کردند و تاکنون هم مورد توجه کودکان و نوجوانان باقی مانده‌اند. زیرا هر دو جالب و هیجان‌انگیزند. هیچکدام از این کتابها فقط برای کودکان نوشته نشده‌اند. گالیور قصد داشت آداب و رسوم و خرافات کهنه را به همه نشان دهد ولی آنها هم اکنون فقط به عنوان کتابهای داستان مطالعه می‌شوند. هم بزرگان را سرگرم می‌کند هم کودکان را. در همین زمانها داستانهای جن و پری برای نخستین بار در فرانسه توسط شخصی به نام «چارلز پرولت» در سال ۱۶۹۸ به چاپ رسید. عنوانهای فرانسوی طولانی بودند و در انگلستان فراموش شده‌اند، ولی داستانهای سیندرلا، چابک‌سوار سرخ‌پوش، زیبای خفته، و گر به چکمه‌پوش از جمله داستانهایی است که در انگلستان به چاپ رسیدند. به زودی داستانهای «هزار و یک‌شب» نیز به انگلیسی ترجمه شد. تنها فردی که در قرن هیجدهم متوجه شد کتاب می‌تواند کودکان را سرگرم کند، «جان نیوبری» بود. کتابهایی که او به چاپ رسانیده، در عین داشتن اندرزه‌های اخلاقی بسیار جذابند و از تصاویر زیبایی برخوردارند.

کتابهای کودک در قرن نوزدهم

کودکان ۱۵۰ سال پیش سرانجام کتابهای مخصوص خود را به دست آوردند. داستانهای خیالی زیادی به چاپ رسید (هرچند که بعضی از آنها برای کودکان نوشته نشده بودند). در سال ۱۸۲۳ «افسانه‌های گریم» به انگلیسی ترجمه شد و بعد داستانهای «هانس آندرسن» نیز ترجمه گشت. در قرن نوزدهم نیز نویسندگان از آوردن مسایل اخلاقی خلاص نشده بودند. داستانهای این نویسندگان همیشه در خود اندرزه‌های اخلاقی داشتند. کودکان خوب با حوادث شگفت‌انگیز روبرو می‌شدند و کودکان بد به سرنوشت وحشتناکی دچار می‌شدند. ماریا اجورث یکی از بهترین داستان‌نویس‌های آن دوره بود.

داستانهایی که هنوز هم جالب به نظر می‌رسند. با اینکه عنوان مایوس‌کننده کتاب او «دستیار والدین» نام دارد، ولی داستانهایی که او نوشته، بسیار جالب‌تر از داستانهایی است که قبلاً برای کودکان نوشته شده بودند و امروزه هم با لذت خوانده می‌شوند.

از دیگر نویسندگان کتاب کودک آن زمان می‌توان توماس دی را نام برد که اولین داستان بلند کودکان را به نام «سندفور و مرتون» نوشت. ام. ام. شروود نویسنده کتاب «سرگذشت خانواده پری کوچولو» نیز از نویسندگان آن دوران است. نوشته‌های او سالها خوانده می‌شد. هم زمان با اجورث، نویسندگان دیگری مانند جی. ایچ اوینگ و ام. ال مولسورث نیز داستانهای جالبی انتشار دادند. کتاب «جان پسر آسیاب بادی» نوشته اوینگ و «ساعت کوکوخوان» نوشته مولسورث هنوز هم مورد علاقه کودکان است. کتاب «بچه‌های آبی» نوشته چارلز کینگزلی قصه پسری که به نام تام است که بخاری پاک کن بود ولی بعد به زیر آب رفت و آنجا ساکن شد. این کتاب برای کودکان امروزی هم جالب و خواندنی است.

لویی گارول تنها نویسنده‌ای بود که اعتقادی به آوردن مسایل اخلاقی در داستانهایش نداشت و در سال ۱۸۶۶ کتاب خود «آلیس در سرزمین عجایب» را نوشت. این کتاب هنوز هم از مشهورترین کتابهای کودکان است. قبلاً هیچ کتابی شبیه داستان آلیس نوشته نشده بود. بسیاری از نویسندگان سعی کردند از آن تقلید کنند، ولی هنوز هم کسی نتوانسته شبیه آن را بنویسد. سرزمینی که آلیس وارد آن می‌شود، سرزمین حیوانات عجیب سخنگو، داروهای سحرآمیز و ماجراهای خیالی است.

«آلیس در سرزمین عجایب» «از پشت شیشه» تقریباً اولین کتابهایی هستند که فقط به منظور سرگرم کردن کودکان نوشته شده‌اند. بعد از انتشار این دو کتاب نویسندگان کتاب کودک سعی کردند به جای نشان دادن زندگی عادی کودکان مسایل معنوی و اخلاقی را از زبان حیوانات بیان کنند، درحقیقت تمام کتابهایی که امروزه قفسه کتابفروشی‌ها و کتابخانه‌ها را پر کرده‌اند، از آن زمان به بعد نوشته شده‌اند. بعضی از این کتابهای قدیمی چنان زیبا نوشته شده‌اند که هنوز هم کودکان آنها را مطالعه می‌کنند و شاید بعد از این هم خوانده شوند. «سیاه خوش اندام» نوشته آنا سویل یکی از بهترین داستانهایی است که درباره حیوانات نوشته شده است. این کتاب برای اولین بار در سال ۱۸۷۷ چاپ شد. و کودکان امروزی آن را یکی از یادگارهای اجداد خود می‌دانند.

رئیس کارگزینی گفت: «چرا هر روز تأخیر می کنی؟ به من مربوط نیست. برو یک فکری به حال خودت بکن. این تأخیرها به نفعت نیست. این اخطار شفاهی بود.»

«قربان، اگر شما هم در محله ای مثل محله من زندگی کنی و رنج صبح زود از خواب بیدار شدن را تحمل کنی و در ایستگاه اتوبوس هم خیلی معطل بشوی، آن وقت شرایط مرا درک می کنی.»

«چرا خشکت زده؟ برگرد سر کارت...»

سری تکان دادم و برگشتم سر کارم.

اتوبوس از ساعت شش صبح کارش را شروع می کند. من نیم ساعت قبل از آن بیدار می شوم. خودم را مرتب می کنم. گاهی دو ساعت معطل اتوبوس می شوم. مؤسسات باز می شوند. رفقا کارشان را شروع می کنند، اما من همچنان منتظر اتوبوس هستم.

کارت شناسایی

اسم من همان است. شش ماه پیش بخت به من روی آورد و کاری در یک مؤسسه تجاری پیدا کردم. در محله ای زندگی می کنم که هر کس اسمش را می شنود، با تعجب می پرسد: کجاست؟ برای همین دیگر خودم پیش از آن که کسی بپرسد، می گویم.

اجاره منزل سه چهارم حقوق پدرم را می بلعد. منزل ما دو اتاق، یک آشپزخانه و یک حمام دارد. پدر و مادرم طبقه بالا می خوابند و یک اتاق دیگر را ما یازده نفر بین خودمان تقسیم کرده ایم. خیلی خوشبخت بودم که شغلی پیدا کردم. آن ده نفر هم خوشبخت بودند، چون جای یک نفر، دونفر خرج آنها را می دهند. رئیس کارگزینی گفت:

«شش ماه است پیش ما کار می کنی، ولی هنوز نظافت را یاد نگرفته ای. هفته ای یک بار صورتت را می تراشی. کراوات را هم که انگار از گردنت باز کرده ای. یقه پیرهننت با صابون دشمن است؟ برادر من، ما تو یک مؤسسه تجاری هستیم و سر و وضع کارکنانمان جزئی از معامله است.»

وضع شخصی

تمام حقوق من صرف مخارج منزل می شود. آنچه برایم باقی می ماند، پول بلیط اتوبوس است و اینکه هفته ای یک بار به اصلاح و حمام و هر پانزده روز هم یک بار به تنها سینمای محله مان بروم.

دوتا پیرهن دارم. هر وقت به فکر خریدن پیرهن سوم می افتم، همه عصبانی می شوند. اصلاح هر روز صبح باعث می شود از اتوبوس عقب بمانم. البته این موقعی است که اتوبوس سراسعت بیاید. فعلاً از کراوات بدم می آید. هر وقت به فکر خرید یکی از آنها می افتم، می بینم بیشتر از پول بلیط یک هفته اتوبوس را می طلبد. هر کار می کنم که یک جوری از حقوقم بزنم و کراواتی بخرم، نمی شود. هر روز یک خرج تازه اضافه می شود.

وضع خانوادگی

به پدرم گفتم. «مرا تهدید به اخراج کرده اند. رئیس از نظافتم ایراد گرفت. باید سر و وضع ترو تمیزی داشته باشیم.»

مادرم مثل همیشه بی اینکه از او نظر بخواهم، گفت:

«آنها کار تو را می خواهند یا سر و وضع تو را؟ اگر کراوات خریدن برایت مهم تر از زندگی ماست، بخر! تازه، خیلی از کسانی که تو اینجور مؤسسه ها

